

راه دشوار پیش‌رو



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

لحظه اعلام رسمی خاتمه جنگ همیشه در طول تاریخ خوشحال‌کننده‌ترین لحظه برای مردمی است که زخم‌خورده جنگ هستند. این لحظه خوشحالی که برای مردم ما نیز سرانجام فرا رسید، هم یک نقطه عطف مهم است و هم سرآغاز یک دوره دشوار دیگر. در دوره‌ای که گذشت، آمریکا و اسرائیل حاصلی جز شکست از جنگ تجاوزکارانه و غیرقانونی علیه کشورمان نبردند. شکست آنها و بن‌بست در جنگ ثابت کرد چنین جنگ‌هایی هیچ‌گاه راه‌حل نبوده و نیست و این مهم می‌تواند نویدبخش عدم تکرار جنگ در آینده باشد. هدف اصلی تفاهم حاصله بین ایران و آمریکا، ایجاد فرصت برای مذاکرات اصلی است. متن تفاهم که هنوز منتشر نشده، ظاهراً تنها حاوی قراردایی درباره مسائل حادی مانند خاتمه جنگ در همه جبهه‌ها و هم‌زمان بازکردن تنگه هرمز و رفع محاصره اقتصادی و نیز برخی امتیازات اقتصادی برای ایران است. همان‌طور که برخلاف برخی تصورات از قبل روشن بود، نه تاکنون مذاکراتی بر سر برنامه موشکی ایران و محور مقاومت انجام شده و نه چنین موضوعاتی در دستور کار است. ایران اکنون با دو دستور کار مهم و بسیار دشوار مواجه است؛ دستور کار اول به نتیجه رساندن مذاکرات اصلی بین ایران و آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای و لغو تمام تحریم‌هاست که اگرچه کاری بسیار دشوار خواهد بود، اما قطعا دشوارتر از دستور کار دوم، یعنی بازسازی ویرانی‌های جنگ و قراردادن کشور در مسیر توسعه اقتصادی نیست.

کار در جریان مذاکره به دو دلیل آسان نخواهد بود:

۱. ترامپ تا حداکثر ممکن تلاش خواهد کرد خروجی مذاکره برای او فراتر از برجام باشد و به این دلیل بر تعلیق غنی‌سازی در ایران و تعیین تکلیف موجودی غنی‌سازی‌شده اصرار خواهد کرد. مبنای کار دولت اواما در برجام، گریز هسته‌ای یک‌ساله بود. به این معنی که اگر ایران تصمیم به ساخت بمب گرفت، حداقل به یک سال زمان برای فراهم‌کردن اورانیوم ۹۰درصدی که برای ساخت یک بمب ضروری است، نیاز داشته باشد. سقف ۳۰۰ کیلو اورانیوم ۳۰۶۷ در ایران و سقف ۵۰۵۰ سانتریفیوژ نسل اول و… با این هدف تعیین شده بود. زمان گریز هسته‌ای ایران اکنون در حدود دو هفته است؛ یعنی حتی اگر تنها توافقی مانند برجام نیز مدنظر باشد، خیلی کارها باید انجام شود.

۲. در طول مذاکرات، یک عامل شرور سوم نیز وجود دارد که مصرانه در پی اخلال در مذاکرات خواهد بود. نتانیاهو در جریان برجام حداکثر تلاش ممکن را برای تخریب روند کرد تا حدی که در ۱۵ مارس ۲۰۱۵ در یک نشست کنکره که توسط اکثریت جمهوری‌خواه ترتیب داده شده بود، علیه دولت اوایما سخنرانی کرد و بدون تماس با کسی در دولت آمریکا، به اسرائیل برگشت. این توافقی ضربه‌ای بزرگ به هدف استراتژیک اسرائیل تحت عنوان «تغییر چهره خاورمیانه» و اعمال ژئومنی اسرائیل بر منطقه از طریق فروپاشی ایران است. مهم‌تر اینکه این بار توافق ایران و آمریکا یک شکست شخصی برای نتانیاهو نیز هست. او در آستانه انتخابات اسرائیل، در داخل به خاطر شکست در پیشبرد پروژه‌اش در مورد ایران و نیز ناتوانی از تأثیرگذاری بر دولت ترامپ و مهم‌تر از همه به دلیل رقب‌زدن شکستی برای اسرائیل در افکار عمومی آمریکا و جهان سخت مورد انتقاد است. شکست او در انتخابات تنها به از دست دادن قدرت ختم نخواهد شد، بلکه با توجه به پرونده‌های فساد او، زندان و بدنامی نیز می‌تواند در انتظارش باشد. بنابراین، او‌که چیزی برای باختن ندارد، از هیچ تخریبی در مذاکرات فروگذار نخواهد کرد؛ خاصه آنکه در تفاهم بین ایران و آمریکا که متن آن هنوز علنی نشده، با تأکید بر توقف جنگ در همه جبهه‌ها، تلویحا نقشی به اسرائیل نیز برای خرابکاری داده شده است.

اگرچه با توجه به موانع فوق، کار ایران در مذاکرات پیش‌رو دشوار خواهد بود، اما آنچه مهم است و هم‌زمان در صورت نگاه جامع ایران می‌تواند کار را راحت‌تر کند، این است که دستور کار مقامات ایرانی در مذاکرات فراتر از نیل به توافقی محدود در مورد غنی‌سازی و رفع تحریم‌های هسته‌ای باشد. اکنون وقت آن رسیده که مسئولان نظام اهداف عالی‌تری و در رأس آن توسعه پایدار کشور و رفاه مردم را به محور اصلی فکده‌های خود ارتقا دهند؛ اهدافی عالی که در چنین دهم گذشته به خاطر جنگ و تنش در سیاست خارجی و تحریم بیوسته در محاق بوده است.

سه‌شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۵
۱ محرم ۱۴۴۸
۱۶ ژوئن ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۱۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

در «شرق» روایت می‌کند؛ در پایان مذاکرات فشرده تهران—واشینگتن و با صدور بیانیه شورای عالی امنیت ملی صلح از طریق قدرت یا صلح مثبت؟ • از تبدیل نفت به ثروت تا فروش آینده:آیزاک سعیدیان

«شرق» روایت می‌کند؛ در پایان مذاکرات فشرده تهران—واشینگتن و با صدور بیانیه شورای عالی امنیت ملی

جنگ

تمام شد

• شورای عالی امنیت ملی: جنگ در همه جبهه‌ها پایان یافته و مذاکرات برای توافق نهایی پس از اجرای تعهدات آغاز خواهد شد

• پزشکیان: اگر همه مفاد تفاهم نامه به‌درستی عملیاتی شود، سندی افتخار آمیز برای کشور خواهد بود

• سیدمحمد خاتمی: اکنون زمان حرکت به سمت صلح پایدار، بازسازی کشور و بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی فرار سیده است

• محمد جواد ظریف: هوشمندی رهبری و اینتار رئیس‌جمهور، رئیس و اعضای هیئت مذاکره‌کننده، شایسته پشتیبانی ملی است

• سخنگوی وزارت خارجه: متن کامل تفاهم، روز امضا منتشر خواهد شد

یادداشت

میهن، هم‌میهن، خیانت و مسئولیت در زمان تجاوز خارجی

درآمدی بر فلسفه سیاسی، اخلاق مدنی و حقوق عمومی



موسی اکرمی

استادفلسفه

جمهوری‌خواهانه اندیشه سیاسی، «میهن» (patria) مفهومی است که دلالت بر «سرزمین مشترک شهروندان» دارد – جایی که حیات سیاسی جمعی در آن معنا می‌یابد. مائوریتسیو ویرولی-فیلسوف سیاسی، تاریخ‌نگار اندیشه سیاسی و نظریه‌پرداز برجسته جمهوری‌خواهی در ایتالیا، با آثار مهمی درباره میهن‌دوستی و پیوند میان اخلاق و سیاست – نشان می‌دهد که «patria» در روم باستان و نیز در اندیشه‌های روسو و ماکیاولی «مادر مشترک شهروندان» توصیف می‌شد («la mère commune des citoyens»). جایی که در آن احساس «در خانه بودن» تبلور می‌یافت. ویرولی تأکید می‌کند که میهن‌دوستی جمهوری‌خواهانه نه عشق به یکتایی و همگونی قومی-فرهنگی بلکه «عشق به خیر عمومی» است. از این دیدگاه «میهن» از نظام حاکم سیاسی گذرا متمایز است؛ میهن بر پایه عشق به خیر جمعی استوار است، در حالی که هر دولت مشخص ممکن است

میهن، حکومت و ملت

«میهن» را نمی‌توان صرفاً به یک قلمرو جغرافیایی فروکاست. در سنت

یادداشت

تفاهم با خارج، آشتی در داخل



حسین حقیقو

کارشناس اقتصادی

بهرروز رضوی

در ۷۸سالگی درگذشت



برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید



برگزیده‌ها

ترامپ ممکن است اروپایی‌ها را جدی نکیرد

آخرین آزمون دیپلماتیک مکرون

کزارش «شرق» از اختلاف بر سر هزینه‌ای فراتر از قیمت دارو و مناقشه قدیمی میان بیماران، داروسازان و نهادهای نظارتی؛

جدال بر سر «حق فنی» داروخانه‌ها

به مناسبت تجدیدچاپ «ژرمنال» امیل زولا

مورخ سرمایه‌داری ارتجاعی

امضای توافق‌نامه ایران و آمریکا درآمدهای دولت در بودجه ۱۴۰۵ را صعودی می‌کند؟

توافق و چالش درآمدهای دولت

جام ۲۰۲۶

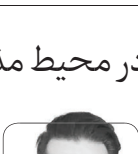
بررسی تیم ملی ژاپن که با قدرت‌های برتر دنیا سرشاخ می‌شود

راز تحقق رؤیای

سویاسا

یادداشت

تحول در محیط مذاکرات



حامدقنلی‌لو

کارشناس سیاست خارجی

حذف اروپا، روسیه و چین از دور تازه گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، فقط یک جابه‌جایی در فهرست بازیگران نیست، نشانه تغیی در منطق اداره پرونده‌ای است که سال‌ها با چندجانبه‌گرایی تعریف می‌شد. پرونده‌ای که زمانی با حضور چند قدرت جهانی مدیریت می‌شد. امروز با یک کانال محدود پیش می‌رود و این تغییر کوچکی نیست. حکم مرکزی این تحول روشن است؛ تعدد بازیگران دیگر نه ابزار فشار، بلکه منبع فرسایش است. ایران و آمریکا هر دو به این جمع‌بندی رسیده‌اند که حضور بازیگران متعدد، روند را پیچیده‌تر می‌کند و یک کانال محدود و کنترل‌شده کارآمدتر است.

تجربه گفت‌وگوهای دوجانبه گذشته نشان داده که نبود بازیگران سوم گاه به بن‌بست انجامیده، اما محاسبه امروز طرفین این است که هزینه پیچیدگی چندجانبه‌گرایی از فایده آن بیشتر شده است. این بار مسئله حذف نیست؛ مسئله

این است که مین بازی دیگر با حضور بازیگران متعدد کار نمی‌کند. اروپا نخستین ضلع این تحریف حیاتی اقتصاد ایران و مسیری که تفاهم و توافق آتی قرار است طی کند و هم اصولاً چارچوب‌ها و رویکردهای اقتصاد مدرن چیزی جز کاهش محدودیت‌ها و افزایش انتخاب‌ها و حذف ناآزادی‌ها نیست؛ جهانی که با افزایش فعالیت و عاملیت انسان و محوریت خرد جمعی معنا و تعریف می‌شود. راهکارهای ارائه‌شده از سوی نمایندگان محترم، یعنی میخکوب‌کردن نرخ ارز و به بندگشیدن صادرکنندگان و مبارزه با قاچاقچیان و خاتمه‌دادن به نفوذی‌ها، نیازمند تحلیل آسیب‌شناسانه‌ای است از چرایی ایجاد این وضعیت. اینکه چرا اصولاً نرخ ارز و قیمت منابع معدنی و سایر کالاها در کشورمان مانند بیشتر کشورهای جهان در بازاری رقابتی و در چارچوب قوانین عادلانه تعیین نمی‌شوند و از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در فهرست کالاهای قاچاق و ممنوع‌الورود و مشمول تعرفه‌های چندصددردی و… قرار دارند و چرا «تخصص» امری حاشیه‌ای و وفاداری» فاکتور اصلی انتخاب تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کشور است؟ و اینکه چرا هرچه فضای اقتصادی را می‌بندیم و قوانین سخت‌گیرانه‌تر و گزینش‌ها شدیدتر می‌شوند نه‌فقط وضع بهتر نمی‌شود که فساد و ناکارآمدی و نفوذ و… بیشتر می‌شود؟ و…

جواب آن است که مشکل اقتصاد ایران و ناکارآمدی شدید آن ناشی از همین بگیروبیندها و فقدان آزادی و رقابت و اعمال سیاست‌های دستوری است. سیاستی که با قیمت‌گذاری در تمام بازارها سبب ایجاد رانت و فساد شده و رانت‌خواران و شرکت و بنگاه‌های خصولتی محصول همین اقتصاد دستوری و رقابتی و بسیاری از اعضای هیئت‌مدیره‌های آنها منصوبان قدرت سیاسی‌اند. اقتصادی که اکثر مجاری تنفسی آن بسته و در قفس تگ دستورات دولتی انداخته شده است، یقیناً رو به حضيض می‌رود و توان بیشتری جز تأمین حداقل‌های معیشتی نخواهد داشت.

اقتصادی که در شاخص آزادی در جایگاه ۱۶۹ بین ۱۷۶ کشور جهان و یکی از ۱۰ اقتصاد بسته جهان است و

در حکمیت قانون در رتبه ۱۱۹ بین ۱۳۹ کشور و در فضای کسب‌وکار در رتفد ۱۲۷ بین ۱۹۰ کشور جهان و…

قرار دارد، آیا سخت‌گیری، محدودیت و ممنوعیت بیشتر به کارش می‌آید که آن گروه نمایندگان پیشنهاد آن را

داده‌اند یا نیازمند آزادی و اعتماد و ارتباط است؟

^[1] ایامه در صفحه ۵

^[2] ایامه در صفحه ۵

^[3] ایامه در صفحه ۵